

تعریف علم اقتصاد: علم تحقیق در ماهیت و علل ثروت است.

علم بررسی چگونگی توزیع درآمد و ثروت بین افراد است.

علم مطالعه سبب زندگی، مشغل و هزینه است.

+ کلی تعریف دیگر! (اسلاید)

الگوی رفتاری واحد جامعه الزم سود را بپردازد یا جامعه نیز سود را خواهد پرداخت؟

خبر باید اینست مثلا ممکنه همه بگویند شروع کنند به واردات و بفروشند و سود کنند ولی تولید را خوب نپسندند و این باینکه  
مقتضی خواهد بود نمی شود همه همواره سود کنند. ممکن است بگویند شرکت خودش سود کند ولی به جامعه و سایر واحدها ضرر وارد کند.

کالا Goods

خدمات Services

در تجزیه و تحلیل، ما برای بیان مهم نیست که کالا تولید شده یا خدمات و قوانین یکسانی برای آنها حکم است.

کالاها و خدمات متعلق هستند ولی پول و منابع ما محدود است. باید انتخاب کنیم.

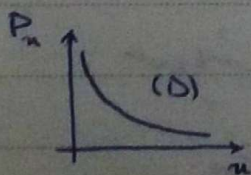
اگر فقط آنچه می توانای عمل ساده ای را در نظر بگیریم، باید اینکه همه بود. چون پول مصرف کننده را تمام می شود و منابع تولیدی  
محدود است تولیدی تمام می شود.

یعنی که از تولیدات تولیدی به مصرف کننده می رود هزینه ای جزئی است و درآمد مصرف کننده حاصل است و بالعکس.

هزینه در رابطه با مشغول تقسیم شده است.

تقاضا: نیازی که امکان آن را داشته باشیم و وقتی شرایط آماده شد آن را انجام دهیم

سه بولد کافی



تقاضای واقعی از قیمت است. هر چه قیمت بالاتر بود، تقاضا و انزاد تقاضای کمتر می شوند.

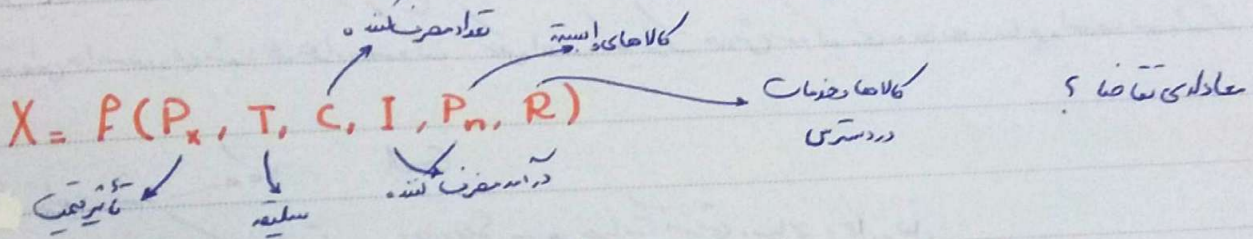
+ قیمت هم تابعی از تقاضا است.

قیمت کالاهای داشته؟ یک سری وسایل را از بازار می‌بخریم و در دکان خودمان می‌فروشیم. مثل خودکار و کاغذ و خودروساز و ...  
 اگر قیمت خرید آن سود و قیمت خودکار و کاغذ و خودروساز می‌باشد.

اگر قیمت خرید آن سود و قیمت خودکار و کاغذ و خودروساز می‌باشد باید قیمت خودکار و کاغذ و خودروساز را بالا بیاوریم تا بتوانیم سود کنیم.

دامنه کالاهای مختلف در دسترس مصرف کننده؟ اگر قیمت یک نوع خودکار در بازار وجود داشته باشد، حتی برای آن کالا وجود خواهد داشت ولی اگر تنوع داشته باشد نگاه متفاوتی برای یک کالای خاص که قیمت می‌یابد.

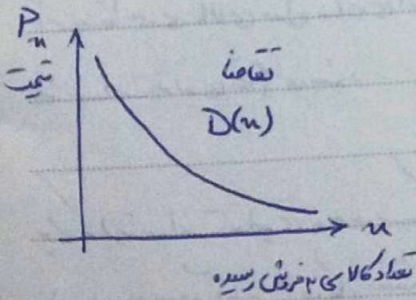
اگر مصرف کننده را بخواهیم با افزایش قیمت کاهش می‌دهیم.



! به قیمت بقیه به راحتی عوض نمی‌شود و در آنجا آن ها را ثابت در نظر گرفت!  
 تابع تقاضا معمولاً دارای شیب منفی است.

Enrollment Key: FALL98

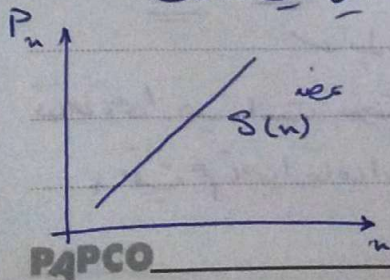
۹۸، ۷، ۶



عرضه تابع منفی است که از دیدگاه تولید کننده در بازار رقابت می‌کند.  
 ! هر چه قیمت کالا بیشتر باشد، تعداد بیشتری از آن عرضه می‌کنند چون سودشان بیشتر خواهد بود. (تأثیر بیشتری بر عرضه‌شان دارند)

عرضه کالای عبارت است از مقدار مختلف آن کالا که فروشنده‌ها حاضرند در ازای قیمت‌های مختلف در بازار عرضه کنند.  
 بردارند → تعریف

عرضه تابعی از این قیمت‌ها است

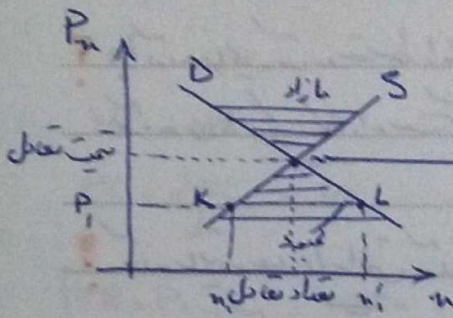


منفی با شیب مثبت → منفی عرضه

$X = h(P_n)$

$P_n = k(n)$  → قیمت هم تابعی از تعداد عرضه در بازار است

قیمت بازار



چرا این نقطه، نقطه تعادل است؟

باید با برهان **خط** نشان داد. اگر نقطه  $K$  را

نقطه نظر بگیریم و عرضه کننده  $n_1$  تا به ازای قیمت  $P_1$

تولید کند، مصرف کننده  $n_2$  تا به ازای قیمت  $P_1$  می تواند

$n_2$  تا بخرم ← کمبود رخ می دهد.

(اگر نقطه دیگری هم در نظر بگیریم اتفاقات مشابهی رخ می دهد)

ماده نشان دارد هیچ مصرفی

نمی تواند مصرف تعادل شود

(Excess) مازاد

(Shortage) کمبود

اگر تابع عرضه و تقاضا داشته باشیم می توان قیمت را در یک بازار (و تعدادی که در این قیمت تولید می شود) به دست آورد

پاراچو پب مسئله: ۲ تا مقدار عرضه و تقاضا را داده و از روی آن تعداد قیمت را به دست می آید.

مثال:  $P(n) = g(n) = -n + 4$  و  $P(n) = K(n) = 2n + 1$  قیمت و تعداد؟

$2n + 1 = -n + 4 \rightarrow 3n = 3 \rightarrow n = 1$  تعداد

قیمت  $P(n) = 2(1) + 1 = -(1) + 4 = 3$

$TR = P_n \cdot X$

$AR = \frac{TR}{X}$

$MR = \frac{dTR}{dX}$

در این درس، درآمد به معنای پولی است که از مشتری گرفته می شود (یعنی در نظر گرفتن هزینه)

چرا داده‌های درآمد متوسط را به دست می‌آوریم؟  
 نکته:  $Q = 30$  و  $Q = 100$  سال است می‌ماند برای داشتن دید بهتر باید متوسط  
 داده برداریم  $Q = 100$  و  $Q = 30$  را به دست آوریم.

داده‌های به معنای ارزش داده به ازای ارزشی که داده‌کننده می‌دهد یعنی مقدار  $Q = 30$  تا  $Q = 100$  داریم و می‌توانیم بگوییم که  $Q = 30$  حقیقتاً داده‌کننده ارزش می‌دهد (شرایط تولید مازاد است که ...)  
 به  $Q = 100$  جای ارزش ارزش می‌دهد.

$$TC = C_v \cdot X$$

$$AC = TC / X$$

$$MC = \frac{dTC}{dX}$$

هزینه  
 متوسط  
 حاشیه

همه همواره برعکس داده‌کننده است. همش هزینه کاهش می‌یابد (توجه‌های)  
 چرا که آن‌ها می‌توانند ارزشی بدهند؟ مثلاً اولش هزینه  $Q = 30$  است برای  
 یک  $Q = 100$  ارزش  $Q = 30$  هزینه برآورد ... سرگشته و هزینه کاهش می‌یابد و برای آن  
 که  $Q = 100$  است  $Q = 30$  مبلغ پاسخ‌دهنده و  $Q = 100$  را برآورد می‌کنند  
 و استعدادهای آنرا محدود می‌کنند.

مسئله (II)

$$\pi = \overbrace{TR}^{\text{درآمد}} - \overbrace{TC}^{\text{هزینه}}$$

$$MC = MR \quad (\text{مشتق می‌گیریم})$$

شما حداکثر شانس سود برای یک تولیدکننده.

ارزایی که  $Q = 100$  بیشتر یا کمتر تولید کنیم، سود کمتر خواهد بود.

مثال:  $TC = 50 + 20n$  (تلف و مقدار برای حداقل سود) ،  $P_n = 100 - 4n$  (تقاضای منفی)

$MC = MR$

$MC = \frac{dTC}{dn} = 20$

$TR = P_n \cdot n = 100n - 4n^2$

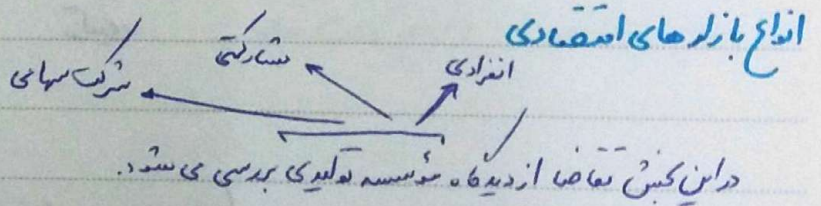
$MR = 100 - 8n$

$100 - 8n = 20 \rightarrow n = 10$

$P_n = 100 - 40 = 60$

\* می‌تواند  $\pi$  را حساب کرد و آن را مستقیماً گرفت

در مسائل می‌تواند 10 واحد پولی یا 10 UoM (Unit of Money) داشته باشد.   
 دارد به صورت غیر مستقیم می‌تواند ربطی به واحد پول ندارد این مسائل.



همین فرض برای ساده سازی: فرض 1: یک نوع کالا توسط مؤسسه دولتی ارائه می‌شود.  
 فرض 2: کالاهای ارائه شده در بازار کاملاً مشابه هستند.

نوعی فردی: همان نوعی تقاضا از دید فرد سنده. (دمی جان نوعی تقاضا است.)

